


Constructing Strategic Scenarios for Energy Resource Exchanges in the Persian Gulf Following the Russia-Ukraine War Crisis: A Futuristic Research Approach

Ali Basirinia

Corresponding Author, Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.


Email: a.basiriniya@lihu.usb.ac.ir

 0000-0003-1172-7208

Abdorasoul Hasani Far

Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.


Email: hasanifar@lihu.usb.ac.ir

 0000-0002-9089-9624

Yunes Latifian

MA Student of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Email: ltyfyanywns@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The recent Russia-Ukraine military crisis has precipitated profound transformations and fundamental shifts in international paradigms of energy supply and exchange. Leveraging its strategic dominance and pressure leverage in oil and gas, Russia has posed significant impediments and challenges for Western nations. Amidst this, the strategic significance of the Persian Gulf region as one of the largest and most vital sources of energy supply for Western powers has become further accentuated and highlighted. The central research question examines how exchange structures and patterns pertaining to energy resources within the geopolitically salient Persian Gulf region are anticipated to evolve given the tumult of the Ukraine crisis. The methodological framework encompassed qualitative, quantitative, and futures research approaches. In-depth expert interviews with 10 specialists across regional studies, international relations, and energy economics constituted the qualitative component. Key variables were then identified via thematic analysis and categorization. Structural equation modeling (MICMAC) was further utilized to decipher inter-variable relationships. Finally, grounded in futures research principles, 5 probable scenarios across different key variable states were designed and formulated based on the findings of the preceding phases. Findings indicate that modernization and expansion endeavors within the region's oil and gas industry capacities, coupled with an elevated Iranian role, can positively impact European energy markets

Keywords: Energy Exchange, Russia-Ukraine War, Persian Gulf, Scenario Development, Futuristic Studies.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations
Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-
NonCommercial 4.0 International License.




 10.22034/fr.2024.416708.1439

تدوین سناریوهای راهبردی مبادلات منابع انرژی در خلیج فارس پس از بحران جنگ روسیه و اوکراین با رویکرد آینده‌پژوهی

علی بصیری نیا

نویسنده مسئول، استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.


Email: a.basiriniya@lihu.usb.ac.ir

 0000-0003-1172-7208

عبدالرسول حسینی‌فر

دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.


Email: hasanifar@lihu.usb.ac.ir

 0000-0002-9089-9624

یونس لطیفیان

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

Email: ltyfyanywns@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

چکیده

بحران نظامی روسیه و اوکراین، بسترساز وقوع دگرگونی‌ها و تحولات بنیادین در پارادایم‌ها و الگوهای بین‌المللی تأمین و تبادل منابع و انرژی شده است. روسیه با بهره‌برداری گسترده از مزیت راهبردی و اهرم فشار خود در عرصه نفت و گاز، چالش‌ها و موانعی را بر سر راه کشورهای غربی ایجاد کرده است. در این میان، جایگاه و اهمیت منطقه خلیج فارس به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و حیاتی‌ترین منابع تأمین انرژی برای قدرت‌های غربی، بیش‌ازپیش مشخص و برجسته شده است. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که الگوها و ساختار مبادلات منابع انرژی در منطقه خلیج فارس در پرتو بحران اوکراین چه تحولاتی را تجربه خواهد کرد؟ روش‌شناسی پژوهش حاضر، ترکیبی از رویکردهای کیفی، کمی و آینده‌پژوهی بوده است. در بخش کیفی از طریق مصاحبه عمیق با ۱۰ تن از خبرگان حوزه‌های مطالعات منطقه‌ای، روابط بین‌الملل و اقتصاد انرژی، داده‌های مورد نیاز گردآوری شد. سپس با به‌کارگیری تکنیک تحلیل مضمون و طبقه‌بندی، مهم‌ترین متغیرهای کلیدی شناسایی گردید. در ادامه با استفاده از تحلیل ساختاری-تفسیری MICMAC، روابط درونی میان این متغیرها بررسی و تبیین شده است. در پایان نیز پژوهش با بهره‌گیری از اصول و مبانی آینده‌پژوهی و تکیه بر یافته‌های دو مرحله پیشین، ۵ سناریوی محتمل در وضعیت‌های مختلف متغیرهای کلیدی را طراحی و تدوین کرده است. نتایج حاکی از آن است که برنامه‌های نوسازی و توسعه ظرفیت‌های نفت و گاز در منطقه و همچنین افزایش نقش ایران، می‌تواند اثرات مثبتی بر بازار انرژی اروپا داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: مبادله انرژی، جنگ اوکراین و روسیه، خلیج فارس، سناریونویسی، آینده‌پژوهی.

مقدمه و بیان مسئله

انرژی، به‌عنوان شریان حیاتی اقتصادهای مدرن، همواره در کانون توجهات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک قرار داشته است. اهمیت و حساسیت منابع انرژی به‌ویژه نفت و گاز، باعث شده است تا کنترل و دسترسی به این منابع، منشأ رقابت‌ها و تنش‌های بسیاری در عرصه بین‌الملل باشد. یکی از مناطقی که همواره در کانون این رقابت‌ها قرار داشته، منطقه خلیج فارس است. این منطقه با برخورداری از بیش از نیمی از ذخایر نفت و یک‌سوم گاز طبیعی جهان (Evans, 2023)، نقشی کلیدی در تأمین انرژی جهان ایفا می‌کند. این بخش از جهان همچنین میزبان برخی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت جهان مانند عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت و امارات متحده عربی است. خروجی انرژی منطقه حدود یک پنجم تقاضای جهانی نفت را برآورده می‌سازد (IEA, 2023: 15-16).

با این وصف، خلیج فارس یک بازیگر کلیدی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) که بر بازار و قیمت نفت جهان قویاً تأثیرگذار است، به شمار می‌آید. علاوه بر این، موقعیت ژئوپلیتیک ویژه خلیج فارس موجب شده است تا این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد. در این میان، بحران اخیر ناشی از جنگ روسیه و اوکراین و تبعات آن بر بازارهای انرژی، موجب شده است تا نگاه‌ها یک‌بار دیگر به سمت خلیج فارس به‌عنوان منبعی بدیل در تأمین انرژی معطوف شود. این بحران، نگرانی‌هایی را در مورد قابلیت اعتماد و پایداری عرضه انرژی روسیه به اروپا به وجود آورده است، کشوری که تا پیش از جنگ به‌تنهایی حدود ۲۵ درصد نفت خام و ۳۸ درصد گاز طبیعی کشورهای عضو این اتحادیه را تأمین می‌کرد (Wallace and Kantchev, 2022). این بحران همچنین خطر آسیب دیدن خطوط لوله و زیرساخت‌های نفت و گاز را به دلیل عملیات نظامی افزایش داده است. از این‌رو به نظر می‌رسد که پس از حدود دو دهه کاهش مستمر وابستگی انرژی آمریکا و اروپا به منابع انرژی خلیج فارس^۱، احتمال رجوع کشورهای

۱. واردات نفت خام ایالات متحده از کشورهای خلیج فارس از بیش از سه میلیون بشکه در روز در آوریل ۲۰۰۳ به کمتر از ۶۰۰ هزار بشکه در روز در نوامبر ۲۰۱۹ رسید (EIA, 2020a). این در حالی است که ایالات متحده به‌رغم افزایش کشفیات نفت شیل (نامتعارف)، همچنان نیازمند واردات نفت خام سنگین برای پالایشگاه‌های خود است. خالص واردات نفت خام این کشور در سال ۲۰۰۵ بالغ بر ده میلیون بشکه در روز بود که در سال ۲۰۱۸ به حدود ۵/۵ میلیون کاهش یافت (EIA, 2020b). مقایسه این دو آمار نشان می‌دهد که شیب کاهش صادرات نفت خام خلیج فارس به ایالات متحده تقریباً ۲/۵ برابر سریع‌تر از شیب کاهش واردات نفت خام این کشور است (احمدی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۳). کشورهای اروپایی نیز پس از جنگ‌های خلیج فارس به‌تدریج از وابستگی خود به منابع انرژی این منطقه کاستند، تا جایی که کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۰ روی هم رفته تنها ۱۸ درصد نفت خام و ۱۲/۴ درصد گاز طبیعی ۲۷ کشور اتحادیه اروپا را تأمین کردند (Chronas & Hanelt, 2022).

غربی به این منابع متعاقب جنگ روسیه و اوکراین وجود دارد. با این همه، توجه و تقاضای افزایش‌یافته برای منابع انرژی منطقه خلیج فارس همچنین شامل عدم قطعیت‌ها و پیامدهای مختلف برای خود منطقه و بازیگران آن می‌شود. جنگ روسیه و اوکراین ممکن است روند تقاضا و تأمین نفت و گاز در بازار جهانی و نیز قیمت‌ها و درآمدهای آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، بحران مذکور می‌تواند تعادل قدرت و رقابت در منطقه را برهم زند، به‌ویژه بین بازیگران منطقه‌ای مانند ایران و عربستان سعودی که روابط و همبستگی‌های متفاوت با روسیه دارند.

با این توصیف، پرسش اصلی مقاله این است که الگوها و ساختار مبادلات منابع انرژی در منطقه خلیج فارس، در پی دگرگونی‌های ناشی از بحران اوکراین، دستخوش چه تحولات و دگرگونی‌هایی خواهد شد. در مسیر یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکردهای کیفی و کمی در حوزه آینده‌پژوهی، به‌دنبال طراحی و تدوین سناریوهایی برای شرح دقیق‌تر آینده مبادلات منابع انرژی در خلیج فارس پس از بحران یادشده است تا بدین ترتیب، زمینه‌ساز تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آتی در این حوزه باشد.

۱. چهارچوب نظری

نظریه ژئوپلیتیک انرژی به بررسی نقش انرژی در شکل‌دهی به مناسبات قدرت می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه عوامل جغرافیایی و سیاسی بر کنترل و توزیع منابع انرژی و مسیرهای ترابری آن تأثیر می‌گذارند و این موضوع چگونه رقابت و همکاری میان کشورها و سایر بازیگران در سیستم انرژی جهانی را شکل می‌دهد (Campos & Fernandes, 2017: 23). یک نظریه خوب باید عمومیت داشته باشد، موجز باشد، قابلیت ابطال داشته باشد و توضیح‌دهنده باشد (Creswell, 2014: 27). این نظریه با مشخص کردن سازوکارهای علی کلیدی، تولید فرضیه‌های آزمون‌پذیر و روشن ساختن اهمیت سیاسی انرژی، این معیارها را برآورده می‌سازد.

نظریه ژئوپلیتیک انرژی بر این فرض استوار است که «دسترسی به منابع انرژی» و «کنترل مسیرهای انتقال آن»، یک مزیت ژئوپلیتیک محسوب می‌شود که می‌تواند قدرت و نفوذ کشورها را در عرصه بین‌الملل تعیین کند. با این توصیف، نظریه ژئوپلیتیک انرژی دارای دو مؤلفه اصلی است:

۱-۱. ژئوپلیتیک منابع انرژی

ژئوپلیتیک منابع انرژی یکی از مؤلفه‌های اصلی نظریه ژئوپلیتیک انرژی است که بر توزیع نابرابر جغرافیایی نفت، گاز و سایر منابع انرژی و چگونگی تأثیر آن بر موازنه قدرت بین کشورها تمرکز دارد (Blondeel et al., 2021: 4).

این مؤلفه بر این فرض استوار است که کشورهای دارای ذخایر عظیم نفت، گاز و سایر منابع انرژی از قدرت چانه‌زنی و نفوذ سیاسی بیشتری برخوردارند (Cesnakas, 2010: 30-31). آن‌ها می‌توانند از این مزیت راهبردی به‌عنوان ابزاری برای تحقق منافع ملی خود بهره ببرند. به‌عنوان مثال، کشورهایی مانند عربستان سعودی، ایران، روسیه و ونزوئلا که دارای ذخایر نفت و گاز بسیاری هستند، می‌توانند از طریق کنترل تولید و صادرات نفت، قیمت‌های جهانی را تحت تأثیر قرار دهند و یا با تهدید محدودسازی صادرات، سیاست‌های کشورهای واردکننده را تحت فشار قرار دهند.

این مؤلفه همچنین شامل مفاهیمی چون «سلاح نفت» (Dannreuther, 2013: 85)، «اعتیاد به نفت» (Momayezi & Rosenburg, 2023: 11) و «دیپلماسی نفت» (Stulberg, 2007: 15) است. مفهوم «سلاح نفت» یا به‌طور کلی‌تر، «سلاح انرژی» به استفاده از محدودسازی صادرات یا واردات نفت و گاز به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر کشورهای دیگر اشاره دارد (Shaffer, 2011: 3). در مقابل، برخی دولت‌های قدرتمند برای تأمین انرژی مورد نیاز خود حاضر به توسل به زور نیز هستند (علویان و موسوی، ۱۴۰۱: ۲۶۹).

در مجموع، مؤلفه ژئوپلیتیک منابع انرژی با تحلیل توزیع نامتوازن منابع و بررسی ابعاد مختلف آن، نشان می‌دهد که چگونه دسترسی به منابع انرژی می‌تواند منجر به کسب مزیت ژئوپلیتیکی شود و قدرت یک کشور را در عرصه بین‌الملل افزایش دهد.

۱-۲. ژئوپلیتیک مسیرهای انتقال انرژی

ژئوپلیتیک مسیرهای انتقال انرژی، مؤلفه دوم اصلی نظریه ژئوپلیتیک انرژی است که به بررسی نقش مسیرها و شبکه‌های انتقال انرژی در پویایی‌های ژئوپلیتیکی می‌پردازد (Verrastro et al., 2010: v).

مؤلفه پیش‌گفته بر این فرض مبتنی است که کشورهای برخوردار از کنترل ژئوپلیتیک بر مسیرها و شبکه‌های استراتژیک انتقال انرژی مانند خطوط لوله، ترمینال‌های صادراتی، تنگه‌ها و کانال‌های دریایی، می‌توانند از این مزیت به‌عنوان

ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود بهره ببرند (Stegen et al., 2023: 142-143). به‌عنوان مثال، روسیه با کنترل خطوط لوله انتقال گاز به اروپا، توان اعمال نفوذ بر کشورهای اروپایی را دارد. مفاهیم مرتبط این مؤلفه شامل استفاده از خطوط لوله به‌عنوان «سلاح انرژی» و همچنین «سیاست خط لوله» می‌شود.

در مجموع، مؤلفه ژئوپلیتیک مسیرهای انتقال انرژی نشان می‌دهد که چگونه کنترل بر شبکه‌ها و مسیرهای استراتژیک انرژی می‌تواند موجب افزایش قدرت و نفوذ ژئوپلیتیک یک کشور شود. این مؤلفه درک عمیق‌تری از پویایی‌های ژئوپلیتیک مرتبط با انتقال و ترانزیت انرژی ارائه می‌دهد.

این نظریه بر سه فرض به هم مرتبط استوار است:

❖ قدرت انرژی: کنترل بر دارایی‌های انرژی، نفوذ ژئواستراتژیک به همراه دارد که دولت‌ها و بازیگران غیردولتی از آن برای پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی خود استفاده می‌کنند (Moran & Russell, 2008: 2-7).

❖ امنیت انرژی: دسترسی پایدار به انرژی مقرون‌به‌صرفه با قیمت مناسب، برای رشد اقتصادی، ثبات اجتماعی و امنیت ملی حیاتی است (صبغیان و سروستانی: ۱۳۹۳: ۱۹۳).

❖ وابستگی متقابل انرژی: ساختار تجارت بین‌المللی انرژی، وابستگی‌های متقابل پیچیده‌ای میان صادرکنندگان و واردکنندگان ایجاد می‌کند که اقدامات یک‌جانبه را محدود می‌کند، اما راه‌هایی را برای همکاری باز می‌گذارد (Daojiong, 2006: 2-16).

نظریه ژئوپلیتیک انرژی، سه سازوکار کلیدی را به‌مثابه مبنای پیامدهای ژئوپلیتیک انرژی، مشخص می‌کند:

❖ قدرت منابع: کشورهای دارای ذخایر غنی انرژی، به‌ویژه نفت و گاز از قدرت چانه‌زنی بالایی برخوردار هستند و از طریق کنترل تولید، صادرات و قیمت‌ها بر معادلات جهانی تأثیر می‌گذارند (Wilson, 2015: 224-228).

❖ قدرت زیرساخت‌ها و مسیرها: کنترل بر زیرساخت‌های استراتژیک حمل‌ونقل انرژی، مانند خطوط لوله، دالان‌های انرژی، مسیرهای دریانوردی و پایانه‌ها، اهرم ژئوپلیتیک قابل توجهی برای کشورهای حاکم بر این زیرساخت‌ها محسوب می‌شود (آدمی و شگری، ۱۴۰۰: ۷۶۰).

❖ قدرت بازار: توانایی جمعی تولیدکنندگان مسلط انرژی برای تأثیرگذاری

بر قیمت‌های بین‌المللی انرژی و ایجاد اختلال در زنجیره تأمین
(Huppmann & Egging, 2014: 483-485).

قدرت تبیینی این نظریه در شرایط زیر به بالاترین حد خود می‌رسد:

- ❖ تمرکز ذخایر انرژی: مناطق دارای ذخایر انرژی هنگفت، مانند خلیج فارس، به کانون رقابت ژئوپلیتیک تبدیل می‌شوند (Pascual & Zambetakis, 2010: 10-13).
 - ❖ محدودیت بازارهای جهانی عرضه انرژی: ظرفیت مازاد محدود و تقاضای بالا، اهمیت استراتژیک منابع انرژی را تشدید می‌کند (Steven et al., 2014: 12-13).
 - ❖ تفاوت منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان: شکاف میان نیازها و منافع انرژی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان باعث تشدید تنش‌های جغرافیای سیاسی می‌شود (Denegri-Knott et al., 2006: 12-13; Bruns, 2012).
 - ❖ زیرساخت‌های انرژی توسعه نیافته: زیرساخت‌های ناکافی حمل‌ونقل می‌تواند نگرانی‌های امنیت انرژی را تشدید کند و فرصت‌هایی را برای مانورهای سیاسی ایجاد نماید (Farrell et al., 2004: 524-425).
- همچنین نظریه ژئوپلیتیک انرژی، بینش‌های ارزشمندی در زمینه‌های زیر فراهم می‌کند:
- ❖ انگیزه‌ها و محدودیت‌ها: دلایل تلاش کشورها برای کنترل منابع انرژی و مسیرهای حمل‌ونقل را توضیح می‌دهد؛ عوامل تأثیرگذار بر خط‌مشی‌های انرژی آن‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی آن‌ها در دستیابی به اهدافشان را شناسایی می‌کند.
 - ❖ استراتژی‌ها و نتایج ژئوپلیتیک: به تجزیه و تحلیل چگونگی استفاده کشورها از منابع انرژی به‌عنوان ابزار دیپلماسی، اجبار و اهرم اقتصادی و پیامدهای بالقوه این استراتژی‌ها کمک می‌کند.
 - ❖ چشم‌انداز انرژی آینده: پیامدهای گذار انرژی، مانند ظهور منابع انرژی تجدیدپذیر و ذخایر نفت و گاز نامتعارف (مانند نفت شل)^۱، برای آینده ژئوپلیتیک انرژی و روابط بین‌الملل را روشن می‌کند.

نظریه ژئوپلیتیک انرژی توسط شواهد تاریخی و معاصر پشتیبانی می‌شود. به‌عنوان مثال:

❖ بحران‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ نشان داد که چگونه تولیدکنندگان عمده انرژی در خاورمیانه می‌توانند با اعمال «قدرت منابع»، اثرات ژئوپلیتیک چشمگیر ایجاد کنند (Hughes & Long, 2015: 188).

❖ روسیه بارها از «قدرت زیرساخت و مسیر» خود به‌مثابه سلاح برای فشار بر کشورهای اروپایی و تنبیه و تشویق دولت‌های پسا شوروی - به‌ویژه برای دور نگاه داشتن آن‌ها از نهادهای غربی مانند ناتو و اتحادیه اروپایی - استفاده کرده است (صالحیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸۸-۷۸۷؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۱-۵۳).

❖ اوپک بارها با اعمال «قدرت بازار» از طریق توافق بر سر سهمیه‌های تولید کشورهای عضو، قیمت‌ها را تغییر داده و بر اقتصاد جهانی تأثیر گذاشته است (Asker et al., 2017: 19).

نظریه ژئوپلیتیک انرژی با محدودیت‌ها و چالش‌هایی نیز مواجه است، از جمله:

❖ سوگیری‌ها و خطاهای بالقوه: این نظریه ممکن است عوامل دیگری که بر ژئوپلیتیک انرژی تأثیر می‌گذارند، مانند سیاست داخلی، ایدئولوژی، فرهنگ یا هنجارها را نادیده بگیرد یا کم اهمیت جلوه دهد.

❖ تبیین‌ها و دیدگاه‌های جایگزین: این نظریه ممکن است با سایر نظریه‌هایی که بر جنبه‌های متفاوتی از ژئوپلیتیک انرژی تأکید دارند، مانند ابعاد زیست‌محیطی، نهادی یا اخلاقی، به چالش کشیده شود.

❖ عدم قطعیت‌ها و سناریوهای آینده: این نظریه ممکن است نیاز به تطبیق با تغییرات سریع در فناوری‌های انرژی، سیاست‌های آب و هوایی و بازارهای جهانی داشته باشد که ممکن است پویایی‌های ژئوپلیتیک انرژی را تغییر دهند.

در مجموع، نظریه ژئوپلیتیک انرژی، چهارچوبی جامع برای درک پیچیدگی‌های روابط متقابل بین انرژی، سیاست و روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد. این نظریه ابزار مفیدی برای سیاست‌گذاران و تحلیلگران جهت ناوبری در مناظره‌های در حال تغییر انرژی و پیش‌بینی پیامدهای ژئوپلیتیکی تحولات مرتبط با انرژی است.

۲. روش پژوهش

چشم‌انداز ژئواستراتژیک، به‌ویژه با توجه به رویدادهایی مانند جنگ روسیه و اوکراین، همچنان به بازتعریف پویایی انرژی، به‌ویژه تبادل منابع انرژی از خلیج فارس ادامه می‌دهد. برای درک جامع پیامدهای بالقوه چنین تغییراتی، این تحقیق رویکردی ترکیبی را اتخاذ می‌کند که ریشه در پارادایم‌های کمی و کیفی دارد.

۲-۱. رویکرد کیفی

مرحله نخست پژوهش حاضر به «تحلیل موضوعی» می‌پردازد، روشی که به شناسایی، طبقه‌بندی و برون‌یابی مفاهیم اختصاص دارد. این تکنیک به‌ویژه هنگام تجزیه و تحلیل محتوای متنی یا نظرات کارشناسان مناسب است. با توجه به ویژگی موضوعی که حول محور ژئوپلیتیک و وابستگی به انرژی می‌چرخد، محتوای مصاحبه با ده تن از متخصصان برجسته در حوزه‌های سیاست، روابط بین‌الملل و اقتصاد خارجی این بنیاد را تشکیل داد.

خبرگان پیش‌گفته از طریق نمونه‌گیری هدفمند و با تأکید بر انتخاب غیرتصادفی با هدف ویژه و تمرکز بر تخصص انتخاب شدند. ماهیت نیمه ساختاریافته این مصاحبه‌ها تضمین می‌کند که در حالی که یک چهارچوب ثابت وجود دارد، متخصصان آزادی عمل برای ارائه بینش‌های عمیق دارند.

۲-۲. رویکرد کمی

پس از بررسی کیفی، پژوهش به سمت زمین ریاضی حرکت کرد و از تحلیل MICMAC در روش معادلات ساختاری استفاده شد. این مرحله برای تعیین تأثیر و وابستگی متغیرها بسیار مهم است. اساساً، تجزیه و تحلیل MICMAC به اندازه‌گیری قدرت نفوذ هر متغیر و تشخیص وابستگی‌های بین متغیری کمک می‌کند.

۲-۳. آینده‌نگری و سناریو نویسی

ارزش محوری و جزء جدایی‌ناپذیر پژوهش حاضر در جهت‌گیری آینده آن نهفته است. این مطالعه با استفاده از اصول آینده‌نگری، به دنبال ترسیم مسیرهای احتمالی پویایی انرژی در خلیج فارس، به‌ویژه پس از بحران روسیه و اوکراین است. سناریونویسی، یک روش تثبیت‌شده در آینده‌پژوهی، برای ایجاد روایت‌های منطقی و

منسجم از آینده‌های بالقوه به شمار می‌آید. این روایت‌ها بر اساس متغیرهای کلیدی شناسایی شده در مراحل اولیه تحقیق ساخته شده‌اند. در اصل، این تحقیق دقت تجزیه و تحلیل محتوا و دقت ابزارهای کمی مانند MICMAC را در هم می‌آمیزد، که همگی زیر چتر گسترده‌تر تحقیقات آینده است. استفاده از نرم‌افزار Scenario Wizard استحکام ایجاد سناریو را بیشتر تقویت می‌کند و از پیش‌بینی دقیق و مبتنی بر شواهد از پویایی تبادل انرژی در خلیج فارس در سال‌های آینده اطمینان می‌دهد.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۳-۱. گام نخست: تحلیل محتوا

این بخش با مرور و بررسی کدهایی که از مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند، به فرایند تعریف و نام‌گذاری تم‌ها پرداخته است. نتایج این بررسی‌ها نمایانگر آن است که اصلی‌ترین محورها که در استراتژی‌های آتی مبادلات انرژی خلیج فارس پس از جنگ روسیه و اوکراین اثرگذار هستند، به چهار بخش اصلی محورهای امنیتی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک تقسیم‌بندی شده‌اند. هر یک از این محورهای اصلی نیز دارای زیرمجموعه‌ها یا مؤلفه‌های فرعی می‌باشند که در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: عوامل کلیدی راهبردهای آینده برای مبادلات انرژی خلیج فارس در دوران پس از

جنگ روسیه و اوکراین

کدهای ثانویه استخراج شده	کدهای محوری	هدف
<ul style="list-style-type: none"> ❖ رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان ❖ انقلاب‌های مخملین و رنگی در ایران ❖ توسعه گروه‌ها و پروکسی‌های نیابتی در منطقه ❖ توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان ❖ اصول مجموعه امنیتی انرژی 	عامل امنیتی	پس از بحران جنگ روسیه و اوکراین
<ul style="list-style-type: none"> ❖ توسعه قراردادهای انرژی چین و اعراب ❖ کاهش تحریم ایران در حوزه انرژی ❖ کاهش قدرت اوپک پلاس ❖ توسعه قراردادهای انرژی ایران و اروپا ❖ توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب ❖ رقابت چین و هندوستان در خلیج فارس 	عامل اقتصادی	راهبردهای مبادلات منابع انرژی خلیج فارس پس از بحران جنگ روسیه و اوکراین

<ul style="list-style-type: none"> ❖ گسترش ناتو به سمت خلیج فارس ❖ توسعه دریانوردی چین در خلیج فارس ❖ رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس ❖ افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب ❖ حضور نظامی بیشتر آمریکا در خلیج فارس 	عامل نظامی	
<ul style="list-style-type: none"> ❖ توسعه دیپلماسی انرژی چین و عربستان ❖ توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و اعراب ❖ توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و ایران ❖ همگرایی دیپلماسی ایران و آمریکا ❖ توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا ❖ همکاری دیپلماسی ایران و عربستان 	عامل دیپلماتیک	

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۳. گام دوم: تحلیل MICMAC

هدف از این تحلیل، شناسایی و بررسی قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها است. پس از مشخص‌سازی قدرت نفوذ و وابستگی، می‌توان تمام محورها را در چهارچوب چهارگانه روش ماتریس اثر ضرب ارجاع متقابل کاربردی قرار داد. در این ماتریس، نقاط مرزی معمولاً یک واحد بیشتر از میانگین محورها است. متغیرها در این تحلیل به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

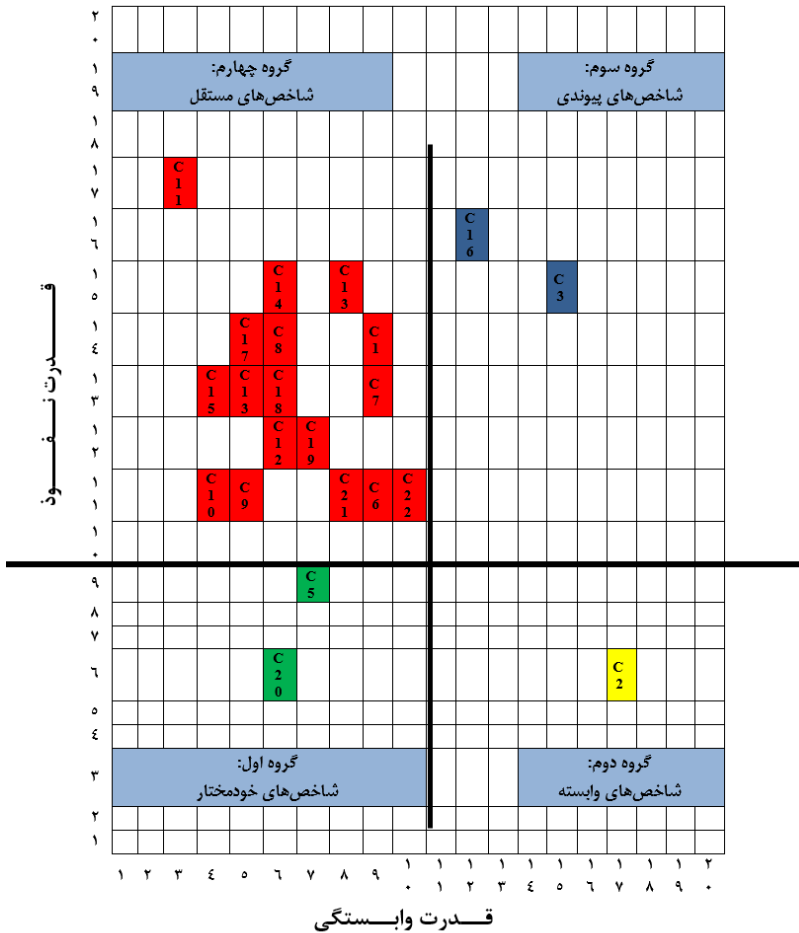
- ❖ دسته اول: متغیرهای خودمختار که نیروی نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند و تقریباً مستقل از سایر مؤلفه‌ها عمل می‌کنند؛
- ❖ دسته دوم: متغیرهای وابسته که چون نیروی نفوذ ضعیفی دارند، بیشتر به سایر مؤلفه‌ها وابسته هستند؛
- ❖ دسته سوم: متغیرهای پیوندی که نیروی نفوذ و وابستگی قوی دارند و بی‌ثبات هستند، به این معنا که هر تغییری در آن‌ها می‌تواند هم بر خودشان و هم بر سایر مؤلفه‌ها تأثیر بگذارد؛
- ❖ دسته چهارم: متغیرهای مستقل که نیروی نفوذ قوی ولی نیروی وابستگی ضعیفی دارند و در واقع متغیرهای کلیدی محسوب می‌شوند.

پس از تعیین قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌ها، می‌توان تمامی آن‌ها را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش MICMAC جاگذاری کرد. در جدول شماره ۲، مقادیر وابستگی و قدرت نفوذ برای متغیرهای پژوهش آورده شده‌اند و نمودار MICMAC پژوهش در شکل شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۲: مقادیر وابستگی و قدرت نفوذ متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	میزان وابستگی	قدرت نفوذ
C1	رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان	۹	۱۴
C2	انقلاب‌های مخملین و رنگی در ایران	۱۷	۶
C3	توسعه گروه‌ها و پروکسی‌های نیابتی در منطقه	۱۵	۱۵
C4	توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان	۹	۱۲
C5	اصول مجموعه امنیتی انرژی	۷	۹
C6	توسعه قراردادهای انرژی چین و اعراب	۹	۱۱
C7	کاهش تحریم ایران در حوزه انرژی	۹	۱۳
C8	کاهش قدرت اوپک پلاس	۶	۱۴
C9	توسعه قراردادهای انرژی ایران و اروپا	۵	۱۱
C10	توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب	۴	۱۱
C11	رقابت اقتصادی چین و هندوستان در خلیج فارس	۳	۱۷
C12	گسترش ناتو به سمت خلیج فارس	۶	۱۲
C13	توسعه دریانوردی چین در خلیج فارس	۵	۱۳
C14	رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس	۶	۱۵
C15	افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب	۴	۱۳
C16	حضور نظامی بیشتر آمریکا در خلیج فارس	۱۲	۱۶
C17	توسعه دیپلماسی انرژی چین و عربستان	۵	۱۴
C18	توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و اعراب	۶	۱۳
C19	توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و ایران	۷	۱۲
C20	همگرایی دیپلماسی ایران و آمریکا	۶	۶
C21	توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	۸	۱۱
C22	همکاری دیپلماسی ایران و عربستان	۱۰	۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل شماره ۱: نمودار MICMAC

منبع: یافته‌های پژوهش

در این تحلیل، شاخص‌ها بر اساس قدرت نفوذ و وابستگی‌شان در چهار دسته قرار می‌گیرند و بر اساس این تقسیم‌بندی، تأثیرات و تعاملات بین شاخص‌ها مشخص می‌شود. این تجزیه و تحلیل به تدوین راهبردهای مبادلات انرژی در خلیج فارس پس از بحران روسیه و اوکراین کمک می‌کند.

۱-۲-۳. شاخص‌های خودمختار

نتیجه تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که شاخص‌های همکاری دیپلماتی ایران و آمریکا (C20) و اصول مجموعه امنیت انرژی (C5) در دسته‌بندی خودمختار قرار می‌گیرند، به عبارت دیگر این دو شاخص به‌طور مستقل از سایر شاخص‌ها می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند.

۲-۲-۳. شاخص‌های وابسته

شاخص انقلاب‌های مخملی و رنگی در ایران (C2) در دسته‌بندی وابسته قرار دارد و از نیروی نفوذ کمتری برخوردار است، اما وابستگی نسبتاً مناسبی دارد و تأثیر آن به سایر مؤلفه‌ها مربوط می‌شود. شاخص انقلاب‌های مخملی و رنگی در ایران (C2) نسبت به دیگران قدرت نفوذ کمتری دارد، اما در موضوعاتی همچون مبادلات منابع انرژی خلیج فارس پس از بحران جنگ روسیه و اوکراین، به سایر شاخص‌ها نیاز دارد.

۳-۲-۳. شاخص‌های پیوندی

در دسته‌بندی پیوندی، دو شاخص حضور نظامی بیشتر آمریکا در خلیج فارس (C16) و توسعه گروه‌های نیابتی در منطقه (C3) قرار دارند که تأثیرات یکدیگری دارند و اهمیت بسیاری در راهبردهای مبادلات انرژی در منطقه دارند. این دو شاخص با قدرت نفوذ و وابستگی بالا، با هم و با سایر شاخص‌ها تأثیرگذاری متقابل دارند.

۴-۲-۳. شاخص‌های مستقل

شاخص‌های رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان (C1)، توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان (C4)، توسعه قراردادهای انرژی چین و عربستان (C6)، کاهش تحریم ایران در حوزه انرژی (C7) و دیگر شاخص‌های مطرح، از قدرت نفوذ بالایی برخوردارند و اهمیت کلیدی در تدوین راهبردهای مبادلات انرژی را دارند.

۳-۳. گام سوم: آینده‌پژوهی

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده با استفاده از تکنیک MICMAC در روش معادلات ساختاری تفسیری، در حوزه‌های امنیتی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک معیارهایی

مستقل با وابستگی پایین و قدرت نفوذ بالا شناسایی شده‌اند. این معیارها با ویژگی‌های تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری کم، پایه و اساس سناریو نویسی و آینده‌پژوهی را تشکیل می‌دهند. جدول ۳ معیارهای تأثیرگذار خالص را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۳: معیارهای تأثیرگذار خالص

نماد	تأثیرگذارترین معیارها	معیار اصلی
C1	رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان	محور امنیتی
C4	توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان	
C6	توسعه قراردادهای انرژی چین و اعراب	محور اقتصادی
C7	کاهش تحریم ایران در حوزه انرژی	
C8	کاهش قدرت اوپک پلاس	
C9	توسعه قراردادهای انرژی ایران و اروپا	
C10	توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب	
C11	رقابت اقتصادی چین و هندوستان در خلیج فارس	محور نظامی
C12	گسترش ناتو به سمت خلیج فارس	
C13	توسعه دریانوردی چین در خلیج فارس	
C14	رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس	
C15	افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب	محور دیپلماتیک
C17	توسعه دیپلماسی انرژی چین و عربستان	
C18	توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و اعراب	
C19	توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و ایران	
C21	توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	
C22	همکاری دیپلماسی ایران و عربستان	

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق اطلاعات ارائه‌شده در جدول بالا، ۱۷ مؤلفه به‌عنوان معیارهای کلیدی شناسایی شده و وضعیت‌های مختلف آن‌ها توسط کارشناسان مورد بررسی و تدوین قرار گرفته است. در مرحله بعدی، پرسشنامه‌ای شامل وضعیت‌های مختلف برای کارشناسان ارسال شد. امتیازدهی وضعیت‌ها در محدوده ۳+ تا ۳- انجام شده، به این معنا که این وضعیت‌ها می‌توانند تأثیر مثبت یا منفی داشته باشند. برای نوشتن سناریوها، از نرم‌افزار سناریو ویزارد استفاده شده که می‌تواند سناریوها را بهینه‌سازی و معتبر کند.

- در فرایند ترسیم چشم‌انداز و سناریوها، سه دسته آینده در نظر گرفته می‌شود:
- ♦ آینده‌های ممکن: شامل همه وضعیت‌های قابل تصور است و بیشتر بر پایه تخیل و تصویرپردازی ذهنی انسان مبتنی است؛
 - ♦ آینده‌های باورپذیر: بر اساس دانش و علم موجود بشر، این آینده‌ها امکان‌پذیر و واقع‌بینانه‌اند؛
 - ♦ آینده‌های محتمل: اشاره به آینده‌هایی دارد که بیشترین احتمال تحقق را دارند.

هنگام نوشتن سناریوهای آینده، ترکیبی از این سه دسته آینده به‌عنوان چشم‌انداز مطلوب در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این چشم‌انداز، سناریوهای متنوعی از جمله سناریوهای متناقض، متناسب، متفاوت و متشابه تدوین می‌شود. نرم‌افزار سناریونویسی ویزارد، مجموعه‌ای از سناریوهای محتمل و باورکردنی را ارائه داده است که در ادامه تشریح شده‌اند. در این تحقیق، مجموعاً ۱۴۰ سناریو ایجاد شده است، از این تعداد، ۴۲ سناریو ناسازگاری بالایی دارند. سناریوهایی با بالاترین احتمال وقوع در جدول ۴ آورده شده‌اند.

سناریویی که احتمال وقوع بیشتری دارد، سه سناریو با شاخص سازگاری ۰ و امتیاز بسیار بالا، محتمل‌ترین سناریوها است. بنابراین، انتخاب بین این پنج سناریو ارجحیت خاصی ندارد. این نرم‌افزار باعث کاهش تعداد سناریوهای ممکن به چند سناریوی محدود با احتمال وقوع بالا می‌شود. پنج سناریوی محتمل در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴: سناریوهای محتمل

سناریو	وضعیت	ارزش پایداری
۱	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب نظامی: رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی چین و عربستان	.
۲	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: کاهش تحریم ایران در حوزه انرژی نظامی: گسترش ناتو به سمت خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	.

سناریو	وضعیت	ارزش پایداری
۳	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی ایران و اروپا نظامی: افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	.
۴	امنیتی: توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب نظامی: توسعه دریانوردی چین در خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی چین و عربستان	.
۵	امنیتی: توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان اقتصادی: رقابت اقتصادی چین و هندوستان در خلیج فارس نظامی: گسترش ناتو به سمت خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و ایران	.

منبع: یافته‌های پژوهش

۱-۳-۳. سناریو اول

در خلال جنگ روسیه و اوکراین، رقابت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و درجاتی از تنش امنیتی میان تهران-ریاض حتی در صورت تلاش برای احیای روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی، همچنان پابرجا خواهد بود.

انتظار می‌رود که هم‌زمان، در بُعد اقتصادی، شاهد توسعه و گسترش همکاری‌ها و قراردادهای انرژی میان کشورهای اروپایی و عربی حاشیه خلیج فارس باشیم. پیش‌بینی می‌شود ظرفیت صادرات نفت و گاز از منطقه خلیج فارس به مقصد اروپا تا انتهای سال ۲۰۲۵ حداقل ۲۰ درصد به نسبت سال ۲۰۲۲ افزایش یابد.

انتظار می‌رود رقابت‌های ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون آمریکا و چین نیز در خلیج فارس تشدید شود. پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌گذاری و حضور نظامی چین در منطقه به‌ویژه از طریق توسعه روابط دفاعی-امنیتی با کشورهای عربی خلیج فارس همچون عربستان و امارات گسترده‌تر شود.

در این سناریو انتظار می‌رود که علی‌رغم تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیک، منافع اقتصادی مشترک در زمینه انرژی به‌نوعی تعامل و مصالحه میان بازیگران منطقه‌ای منجر شود و از بروز درگیری‌های گسترده‌تر جلوگیری کند.

۲-۳-۳. سناریو دوم

در خلال جنگ روسیه و اوکراین، رقابت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و درجاتی از تنش امنیتی میان تهران-ریاض حتی در صورت تلاش برای احیای روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی، همچنان پابرجا خواهد بود.

انتظار می‌رود در صورت پیشرفت مذاکرات هسته‌ای ایران و احیای برجام، شاهد کاهش برخی محدودیت‌ها و تحریم‌ها علیه صادرات نفت و گاز ایران باشیم. در این صورت انتظار می‌رود به‌منظور جبران کاهش صادرات انرژی از روسیه، همکاری‌ها و روابط تجاری-اقتصادی ایران با اتحادیه اروپایی در زمینه انرژی توسعه پیدا کند. همچنین، اروپا برای کاهش وابستگی به انرژی کشورهای عربی، دیپلماسی انرژی با ایران را توسعه خواهد داد. پیش‌بینی می‌شود در این شرایط، صادرات نفت و گاز ایران به اروپا تا پایان سال ۲۰۲۵ به سطح پیش از خروج آمریکا از برجام خواهد رسید.

همچنین پیش‌بینی می‌شود که حضور نظامی آمریکا و متحدانش در ناتو به‌منظور حفاظت از خطوط انتقال انرژی در منطقه تقویت شود. انتظار می‌رود این افزایش حضور نظامی بسته به واکنش تهران، در افزایش/کاهش تنش‌ها و احتمال درگیری‌های نظامی در منطقه نقش داشته باشد.

در مجموع این سناریو نشان می‌دهد که علی‌رغم تداوم برخی رقابت‌های سیاسی و امنیتی، منافع اقتصادی مرتبط با صادرات انرژی می‌تواند موجب برقراری ثبات نسبی و کاهش درگیری‌ها شود.

۳-۳-۳. سناریو سوم

در خلال جنگ روسیه و اوکراین، رقابت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و درجاتی از تنش امنیتی میان تهران-ریاض حتی در صورت تلاش برای احیای روابط دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی، همچنان پابرجا خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود که قراردادهای صادرات نفت و گاز ایران به اروپا به‌ویژه در صورت لغو تحریم‌ها، تا پایان سال ۲۰۲۵ به سطح پیش از خروج آمریکا از برجام برسد. همچنین انتظار می‌رود روابط و دیپلماسی انرژی ایران و اتحادیه اروپا تقویت شود تا زمینه همکاری‌های بعدی فراهم آید.

علی‌رغم این تعاملات و نزدیکی‌های اقتصادی احتمالی، رقابت‌های تسلیحاتی و امنیتی میان برخی کشورهای عربی منطقه و ایران همچنان ادامه دارد. اما انتظار

می‌رود گسترش روابط اقتصادی-انرژی، از تبدیل این تنش‌ها به درگیری‌ها و جنگ‌های باز جلوگیری کند.

در مجموع، این سناریو تصویر می‌کند که منافع مشترک اقتصادی می‌تواند با وجود اختلافات سیاسی، راه را برای پرهیز از تشدید خصومت‌ها هموار کند.

۳-۳-۴. سناریو چهارم

انتظار می‌رود که همکاری‌های امنیتی-دفاعی میان چین و برخی دولت‌های عربی خلیج فارس از جمله عربستان سعودی در سال‌های آتی گسترش یابد.

همچنین پیش‌بینی می‌شود که حجم قراردادها و سرمایه‌گذاری‌های انرژی چین در کشورهای عربی منطقه افزایش قابل توجهی داشته باشد. از سوی دیگر، انتظار می‌رود که صادرات انرژی کشورهای عربی به اروپا نیز همچنان رو به فزونی باشد.

پیش‌بینی می‌شود حضور نظامی فزاینده چین در خلیج فارس و دریای عرب به‌ویژه از طریق توسعه توانمندی‌های دریایی، تأسیسات و پایگاه‌های نظامی در کشورهای عربی منطقه تداوم یابد.

در مجموع این سناریو حاکی از آن است که نفوذ فزاینده اقتصادی و امنیتی چین در منطقه می‌تواند به عاملی برای کاهش وابستگی کشورهای عربی به غرب تبدیل شود.

۳-۳-۵. سناریو پنجم

انتظار می‌رود که همکاری‌های نظامی-امنیتی میان چین و عربستان سعودی در سال‌های آینده گسترش یابد؛ همکاری‌هایی که عمدتاً متمرکز بر تقویت توانمندی‌های دفاعی-امنیتی این کشور عربی در مقابل ایران است.

پیش‌بینی می‌شود که رقابت فزاینده اقتصادی میان چین و هند بر سر بازارها و منابع انرژی خلیج فارس در سال‌های آینده تشدید شود؛ رقابتی که می‌تواند ظرفیت‌های همکاری میان این دو قدرت آسیایی را نیز محدود کند.

انتظار می‌رود که حضور نیروهای نظامی غرب به رهبری آمریکا در منطقه از طریق تقویت مأموریت‌ها و مانورهای ناتو به‌منظور مقابله با نفوذ فزاینده چین، تداوم یابد. همچنین پیش‌بینی می‌شود که همکاری‌های دیپلماتیک و انرژی میان هند و ایران به‌عنوان دو کشوری که دغدغه مشترکی در قبال محدودسازی نقش منطقه‌ای چین دارند، افزایش یابد. در مجموع، این سناریو حاکی از تداوم رقابت‌های

ژئوپلیتیک قدرت‌های بزرگ و تشدید دوقطبی میان بلوک‌های متخاصم شرق و غرب در منطقه خلیج فارس است. در بین سناریوهای ممکن، چهار سناریوی باورکردنی با ارزش پایداری ۱- و پنج سناریوی باورکردنی با ارزش پایداری ۲- وجود دارد. در جدول شماره ۵ سناریوهای باورکردنی با ارزش پایداری (۱-) گزارش شده‌اند.

جدول شماره ۵: سناریوهای باورکردنی با ارزش پایداری (۱-)

سناریو	وضعیت	ارزش پایداری
۱	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: کاهش تحریم ایران در حوزه انرژی نظامی: افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	۱-
۲	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی چین و اعراب نظامی: توسعه دریانوردی چین در خلیج فارس دیپلماتیک: همکاری دیپلماسی ایران و عربستان	۱-
۳	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: کاهش قدرت اوپک پلاس نظامی: رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	۱-
۴	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب نظامی: رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و ایران	۱-

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۶ سناریوهای باورکردنی با ارزش پایداری (۲-) گزارش شده است.

جدول شماره ۶: سناریوهای باورکردنی با ارزش پایداری (۲-)

سناریو	وضعیت	ارزش پایداری
۱	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی چین و اعراب نظامی: گسترش ناتو به سمت خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	۲-

سناریو	وضعیت	ارزش پایداری
۲	امنیتی: رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب نظامی: افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و اعراب	-۲
۳	امنیتی: توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان اقتصادی: کاهش قدرت اوپک پلاس نظامی: گسترش ناتو به سمت خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی ایران و اروپا	-۲
۴	امنیتی: توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان اقتصادی: رقابت اقتصادی چین و هندوستان در خلیج فارس نظامی: رقابت نظامی چین و آمریکا در خلیج فارس دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی هندوستان و ایران	-۲
۵	امنیتی: توسعه همکاری امنیتی چین و عربستان اقتصادی: توسعه قراردادهای انرژی اروپا و اعراب نظامی: افزایش رقابت تسلیحاتی ایران و اعراب دیپلماتیک: توسعه دیپلماسی انرژی چین و عربستان	-۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در جمع‌بندی سناریوهای مطرح شده، باید خاطرنشان ساخت که سناریوهای ارائه شده در جدول شماره ۴ به‌عنوان محتمل‌ترین سناریوها با ارزش پایداری ۰ شناخته شده‌اند. به این سناریوها می‌توان با اطمینان بیشتری نگاه کرد، چرا که آن‌ها بهتر به واقعیت‌های فعلی سازگار هستند. در جدول شماره ۵ سناریوهای باورپذیر با ارزش پایداری (۱-) و در جدول شماره ۶ سناریوهای باورپذیر با ارزش پایداری (۲-) آورده شده‌اند. این سناریوها نسبت به سناریوهای محتمل، سازگاری پایین‌تری با وضعیت فعلی دارند.

نتیجه‌گیری

یکی از تأثیرات چشم‌گیر جنگ روسیه در اوکراین، تبعات آن برای صادرات انرژی از روسیه به اروپا بود. این تأثیرات با تحریم شرکت‌های روسی و محدودیت‌های لوله‌های انتقال گاز نورد استریم ۱ و ۲، باعث شد تا اتحادیه اروپا به سمت

سیاست‌هایی با هدف کاهش وابستگی انرژی به روسیه حرکت کند. از زمان آغاز جنگ در اوکراین تا به امروز، بازار انرژی یکی از بخش‌هایی است که به‌طور واضح تحت تأثیر قرار گرفته است.

وابستگی چشمگیر اروپا به سوخت‌های فسیلی روسیه باعث شده که تحریم‌هایی که به نفت و گاز این کشور اروپایی تعلق می‌گیرد، به‌عنوان یک مشکل جدی برای اتحادیه اروپا مطرح شود. به‌علاوه، درحالی‌که کشورهایی در حال بحث و تبادل نظر درباره پیروی از سیاست‌های آمریکا هستند، نوسانات در بازار نفت و گاز، همچنان سیاق بازار انرژی را در دست دارد. در این شرایط، تفکر عمده ائتلاف ناتو این است که باید تا حد امکان روسیه را از اوکراین خارج کند تا از وقوع یک فاجعه جدید در اروپا جلوگیری نماید. اما به دلیل اینکه هیچ‌یک از دو طرف این تنش تمایلی به تسلیم ندارند، بحث به نقطه اشتباه می‌رود. به همین دلیل، اروپایی‌ها برای ایجاد فشار اقتصادی بر رژیم نظامی روسیه، به تحریم‌های مختلف، به‌ویژه تحریم‌های بخش انرژی، روی آورده‌اند. این تحریم‌ها به‌عنوان منبع اصلی درآمدی برای رژیم روسیه در نظر گرفته شده‌اند.

مطالعه پژوهشی با مصاحبه از خبرگان متخصص و ارزیابی عوامل و عناصر مختلف و اهمیت بخش آن‌ها، همچنین اولویت‌بندی این عوامل و نگارش سناریوهای تطابق یافته با نظرات این خبرگان، نشان می‌دهد که سناریوهای استراتژیک در زمینه تبادل منابع انرژی در منطقه خلیج فارس پس از بحران جنگ روسیه و اوکراین، در چهار محور اصلی خواهند بود:

- توسعه قراردادهای انرژی با اروپا و کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان؛
- کاهش تحریم‌های ایران در زمینه انرژی؛
- توسعه قراردادهای انرژی بین ایران و اروپا؛
- توسعه قراردادهای انرژی بین اروپا و کشورهای عربی.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نقش کلیدی در کاهش وابستگی انرژی کشورهای غربی به منابع انرژی روسیه، به ایران و کشورهای عربی تعلق دارد. اروپا نیز تلاش می‌کند تا روابط اقتصادی خود با مناطقی نظیر کشورهای عربی و ایران را گسترش دهد و این موضوع به‌دلیل قرارگیری جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مناسب این مناطق اهمیت دارد. ایران می‌تواند در زمینه تأمین امنیت انرژی به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد محسوب شود و همکاری‌ها و ارتباطات استراتژیک در این زمینه می‌تواند تعهداتی را نیز به اتحادیه اروپا تحمیل کند.

یکی از اولویت‌های این سناریوها، گسترش مسیرهای انتقال نفت و گاز از ایران است. این گسترش به صورت طبیعی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بزرگ است، اما این زمینه بازم فرصت‌هایی جدید را برای تنوع عرضه انرژی به اروپا ایجاد خواهد کرد. به علاوه، بازگشت ایران به بازار جهانی نفت و گاز، اروپا را مجاب می‌کند تا در جهت تحقق امنیت انرژی جهانی، رفتاری منطقی و هماهنگ داشته باشد و در شرایط بحرانی به مصرف‌کنندگان جهان کمک کند. با توجه به نگرانی‌های جدی از تأثیرات تنش‌های ژئوپلیتیکی بر رشد اقتصاد جهان و احتمال کمبود عرضه نفت و گاز در آینده، ایران می‌تواند در صورت رفع موانع و تحریم‌ها، نقش کلیدی در تأمین نیازهای انرژی اروپا و حتی منطقه خود را به اروپا بازی کند.

بنابراین، راهبرد کاهش وابستگی اروپا به نفت و گاز روسیه، علاوه بر افزایش همکاری‌های انرژی دورن منطقه‌ای اتحادیه اروپایی، در ارتقای جایگاه مناطقی نظیر خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست‌های امنیت انرژی اتحادیه اروپایی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. هرچند هنوز زود است تا بتوان تصمیم‌گیری کرد که آیا بحران انرژی در آینده نقطه عطفی برای افزایش همکاری اتحادیه اروپا و مناطق همسایه‌اش خواهد بود یا خیر، اما با هدف تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۵۰ اتحادیه اروپا و با توجه به تعهدات تعیین شده توسط کشورهای اعضا، انگیزه جدیدی برای تقویت همکاری‌های بین‌المللی و سیاست‌های خارجی مشترک ایجاد می‌شود.

فهرست منابع

- آدمی، علی؛ شکری، مرتضی (۱۴۰۰). جایگاه ایران در آینده ژئوپلیتیک انرژی عراق. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۴).
- احمدی‌نیا، محمد؛ زارعی، غفار؛ حقیقی، علی محمد (۱۴۰۰). گذار انرژی و تأثیر آن بر امنیت دریانوردی در خلیج فارس. فصلنامه امنیت ملی، ۱۱(۴۲).
- حبیبی، محسن؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ طباطبایی پناه، سیدعلی (۱۳۹۸). اهرم انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپایی در سایه تحریم. فصلنامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۵(۱۰۶).
- صالحیان، تاج‌الدین؛ پادروند، مهدی؛ اکبری، سمیرا (۱۴۰۰). سیاست انحصارطلبی انرژی روسیه و راهبرد ژئوانرژی اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۴).
- صباغیان، علی؛ سروستانی، عباس (۱۳۹۳). امنیت انرژی و روابط اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۶(۱۹).
- علویان، مرتضی؛ موسوی، سید صالح (۱۴۰۱). چالش‌های پیش‌رو انتقال انرژی جمهوری اسلامی ایران به قفقاز جنوبی. فصلنامه روابط خارجی، ۱۴(۲).

References

- Asker, J., Collard-Wexler, A., & De Loecker, J. (2017). Market Power, Production (Mis) Allocation and OPEC (No. w23801). National Bureau of Economic Research.
- Blondeel, M., Bradshaw, M. J., Bridge, G., & Kuzemko, C. (2021). The Geopolitics of Energy System Transformation: A Review. *Geography Compass*, 15(7), 1-22. doi: 10.1111/gec3.12580.
- Bruns, A. (2012). Reconciling Community and Commerce? Collaboration between Producers Communities and Commercial Operators. *Information, Communication & Society*, 15(6), 815-835.
- Campos, A., & Fernandes, C. P. (2017). The Geopolitics of Energy. In C. P. Fernandes & T. F. Rodrigues (Eds.). *Geopolitics of Energy and Energy Security* (pp. 23-40). Lisboa: Instituto da Defesa Nacional.
- Cesnakas, G. (2010). Energy Resources in Foreign Policy: A Theoretical Approach. *Baltic Journal of Law & Politics*, 3(1), 30-52. doi:10.2478/v10076-010-0003-y.
- Chronas V. & Hanelt, C. (2022). The EU and the Middle East: Exploring alternatives to Russian Energy. *Global Europe*. 15 March. Available at: <https://globaleurope.eu/globalization/the-eu-and-the-middle-east-exploring-alternatives-to-russian-energy>.
- Creswell, J. W. (2014). *A Concise Introduction to Mixed Methods Research*. London: SAGE publications.
- Dannreuther, R. (2013). Geopolitics and International Relations of Resources. In: R. Dannreuther & W. Ostrowski (Eds). *Global Resources* (pp. 79-97). London: Palgrave Macmillan. doi: 10.1057/9781137349149_5.
- Daojiong, Z. (2006). Energy Interdependence. *China Security*, 1(3): 2-16.
- Denegri-Knott, J., Zwick, D., & Schroeder, J. E. (2006). Mapping Consumer Power: an Integrative Framework for Marketing and Consumer Research. *European Journal of Marketing*, 40(9/10), 950-971.
- EIA (2020a). "U.S. Net Imports from Persian Gulf Countries of Crude Oil", U.S. Energy Information Administration, Available at: <https://www.eia.gov/dnav/pet/hist/LeafHandler.ashx?n=PET&s=MCRNTUSPG2&f=M>, Accessed on: 3 January 2024.
- EIA (2020b). "U.S. Net Imports of Crude Oil", U.S. Energy Information Administration, Available at: <https://www.eia.gov/dnav/pet/hist/LeafHandler.ashx?n=PET&s=MCRNTUS2&f=A>, Accessed on: 30 February 2020.
- Farrell, A. E., Zerriffi, H., & Dowlatabadi, H. (2004). Energy Infrastructure and Security. *Annual Review of Environment and Resources*, 29, 421-469.
- Favennec, J. P. (2011). *The Geopolitics of Energy*. Paris: Editions Technip.
- Hughes, L., & Long, A. (2015). Is There an Oil Weapon?: Security Implications of Changes in the Structure of the International Oil Market. *International Security*, 39(3), 152-189. doi: 10.1162/ISEC_a_00188.
- Huppmann, D., & Egging, R. (2014). Market Power, Fuel Substitution and Infrastructure—A large-Scale Equilibrium Model of Global Energy Markets. *Energy*, 75, 483-500.

- Momayezi, N., & Rosenburg, R. B. (2023). Geopolitics of Oil in the Middle East and Its Implications for U.S. National Security. In M. C. Escolar-Llamazares (Ed.). *Recent Trends in Arts and Social Studies* (pp. 9-21). doi: 10.9734/bpi/rtass/v9/10778f.
- Moran, D., & Russell, J. A. (2008). *Energy Security and Global Politics: The Militarization of Resource Management*. London: Routledge.
- Pascual, C., & Zambetakis, E. (2010). The Geopolitics of Energy. In C. Pascual & J. Elkind (Eds.). *Energy Security: Economics, Politics, Strategies, and Implications* (pp. 9-35). New York: Brookings Institution Press.
- Shaffer, B. (2011). *Energy Politics*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Stegen, K. S., Kuszniir, J., & Riederer, C. (2023). The Geopolitics of Energy Transportation and Carriers: from Fossil Fuels to Electricity and Hydrogen. In *Handbook on the Geopolitics of the Energy Transition* (pp. 141-157). Northampton: Edward Elgar Publishing.
- Steven, D., O'Brien, E., & Jones, B. D. (2014). *The New Politics of Strategic Resources: Energy and Food Security Challenges in the 21st Century*. Washington: Brookings Institution Press.
- Stulberg, A. N. (2007). *Well-oiled Diplomacy: Strategic Manipulation and Russia's Energy Statecraft in Eurasia*. New York: SUNY Press.
- Verrastro, F., Ladislav, S., Frank, M., Hyland, L. A., & Schlesinger, J. R. (2010). *The Geopolitics of Energy. Emerging Trends, Changing Landscapes, Uncertain Times*. CSIS Energy and National Security Program. Available at: chrome-extension://mhnlakgilnojmhinhkckjpnpcpbhabphi/pages/pdf/web/viewer.html?file=https%3A%2F%2Fcsis-website-prod.s3.amazonaws.com%2Fs3fs-public%2Flegacy_files%2Ffiles%2Fpublication%2F101026_Verrastro_Geopolitics_web.pdf.
- Wilson, J. D. (2015). Resource Powers? Minerals, Energy and the Rise of the BRICS. *Third World Quarterly*, 36(2), 223–239. doi: 10.1080/01436597.2015.1013318.

